گزارش

بانگ الرحیل به صدا درآمد؛ گمان نیک به زاکانیان برخاست...

شرق: وعده‌های محقق‌نشده شهردار تهران باز هم موضوع تذکر برخی از اعضای شورای شهر تهران بود. نرجس سلیمانی، رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورا، با اشاره به اینکه سال آخر فعالیت مدیریت شهری کنونی است گفت: همان‌طورکه می‌دانید عملا حدود یک سال از عمر شورا و مدیریت همبسته آن برای کار و فعالیت باقی مانده است. اما همین ایام کوتاه پیش‌رو با تلاش و همت مضاعف می‌تواند باعث تحول و پیشرفت امور در بخش‌های متعدد شود. امیدواریم فعالیت‌ها و کوشش‌ها به‌گونه‌ای صورت نگیرد که بیت «که به زاکانیان گمان نیک همی بردیم... دوره شورا به سر رسید و گمان همی برخاست» مصداق حال شورا و مدیریت شهری وابسته به آن و ورد زبان مردم کوچه و بازار شود.

سلیمانی در ادامه درخصوص مسئله حمل‌ونقل گفت: برخلاف وجود بودجه، پافشاری و اصرار شورا و تمایل شهردار در بخش حمل‌ونقل عمومی روزمینی نه‌تنها هنوز هیچ گشایش مؤثری اتفاق نیفتاده بلکه مسکن قوی‌ای نیز در این حوزه تزریق نشد. در همین سرفصل حمل‌ونقل، موضوع جابه‌جایی مردم به‌صورت پیاده، متأسفانه با وجود درخواست‌های مکرر و تذکرات پی‌درپی، شاهد هیچ به‌روزرسانی درخورتوجهی نبودیم؛ برای مثال در تابستان ۱۴۰۰ در قریب به اتفاق محلات تهران، علی‌رغم قانون جوانی جمعیت که فرزندآوری را توصیه می‌کند؛ یک بانوی باردار یا یک مادر با فرزند خردسال، پیاده‌راه مناسبی در شعاع هزارمتری محل سکونت خود نداشت، هنوز هم در بهار ۱۴۰۳ این دسترسی مناسب را ندارند؛ هرچند پیاده‌راه‌سازی‌های خوبی هرچند به شکل جزیره در تهران، اجرا شده باشد.

او افزود: با وجود این اصل معضل نبود اتصال و کیفیت حداقلی یکسان در شهر تهران کاملا مشهود است. در همین رابطه فعال‌نبودن پل‌های مکانیزه و پله‌برقی‌ها و عدم کفایت رمپ‌های متصل‌کننده به شکل مفصل، موضوعی است که باید در اولویت حقیقی شهرداری قرار گیرد.

سلیمانی در ادامه ضمن تأیید اقدام درست برقی‌سازی حمل‌ونقل روزمینی گفت: این اقدام درست و بجایی است اما عملا با توجه به تراز انرژی الکتریکی کشور، به‌طور جدی قابل اجرا نیست که امیدواریم در هماهنگی با دستگاه‌های ذی‌ربط این مسئله حل شده و برای آن راه‌حل مناسبی اندیشیده شود.

او درباره اقدامات انجام‌شده در حوزه حمل‌ونقل عمومی به عنوان نیاز اساسی شهر نیز متذکر شد: بنده به‌زعم خود، کلیدی‌ترین نیاز شهروندان در حوزه حمل‌ونقل عمومی را همان حل مسئله حمل‌ونقل روزمینی می‌دانم که با وجود وعده‌ها و قول و قرارهای مکرر و تبلیغات بسیار، هنوز به نتیجه قابل اعتنایی نرسیده است. دو سال است که شهرداری تهران علاقه‌مند به ایجاد فضایی جدید در حوزه حمل‌ونقل شده است، درصورتی‌که باید تحقیقات لازم دراین‌باره انجام شود؛ چراکه دارایی شهر در این زمینه هزینه می‌شود، باید در حافظه تاریخی خود به یاد داشته باشیم که ساخت مونوریل صادقیه به سرانجام نرسید، این پول و سرمایه مردم و شهر بود که بدون فکر برای این منظور هزینه شد و درنهایت رها شد. بانگ الرحیل شورا امسال به صدا درآمده و نواخته می‌شود و باید با دستان پر از بازار خدمت به خلق خارج شویم.

در این جلسه ناصر امانی هم در تذکری خطاب به رئیس شورا گفت: مدتی پیش بنده به شما درباره نحوه جابه‌جایی درختانی که در طرح‌های عمرانی قرار می‌گیرند، نامه زدم. وقتی می‌خواهیم این کار را بکنیم، نمی‌شود به پیمانکار صددرصد اعتماد کرد. در منطقه ۱۴ به دلیل پلی که قرار است مقابل اتوبان بسیج زده شود، فکر می‌کنم بیش از دو هزار درخت جابه‌جا شده است. شهردار منطقه اعلام کرد که حوزه فنی و عمرانی با پیمانکار این کار را انجام داده است. بنا شد ما از جایی که این درختان برده شده‌اند بازدید کنیم که آیا دوباره جان می‌گیرند یا نه.

مهدی عباسی، رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورا، درباره صدور مجوز جابه‌جایی درخت، گفت: اگر مجوزی برای جابه‌جایی درخت در کمیسیون ماده ۷ صادر می‌شود؛ صرفا تا تاریخ ۱۵ اسفند قابلیت اجرا دارد و پس از این تاریخ هر منطقه‌ای در هر پروژه‌ای اقدام به جابه‌جایی درخت کند؛ تخلف محسوب شده و احتمال آسیب به درختان بسیار زیاد است.

عباسی در ادامه با تأکید بر اینکه بنده در این مورد بسیار سختگیرانه عمل می‌کنم؛ بیان کرد: هنگامی که تقاضایی برای جابه‌جایی درخت دریافت می‌شود، چند بعد در نظر گرفته می‌شود. نخست اینکه آیا می‌توان بدون جابه‌جایی درختان یا با کمترین جابه‌جایی پروژه را اجرا کرد، برای این منظور تیمی از کارشناسان مستقر می‌شوند که گزارش‌های آنها ملاک عمل قرار می‌گیرد.

عباسی یادآور شد: نوع نگرش ما، رفتار ما را تعیین می‌کند، رفتار ما تابعی از نگرش ماست. اگر ما درخت را موضوع اضافه و زایدی ببینیم، طبیعی است که رفتار ما مبتنی بر همین نگرش خواهد بود، اما اگر درخت را یک سرمایه و میراث طبیعی بدانیم که از گذشتگان برای ما به ارث رسیده، دیگر حفاظت از تک‌تک درختان در تهران یک تکلیف فردی و عمومی به حساب می‌آید؛ بنابراین اگر شاهد رفتار غلطی دراین‌باره بودیم، به رفتار توجه نکنیم، بلکه نگرش را اصلاح کنیم. فرد خاطی محتاج کمک است و باید از نظر ذهنی ارتقا یابد مانند فرد بی‌سوادی که نیاز به آموزش دارد. این باید وظیفه تک‌تک ما باشد تا از آن چیزی که در اختیار داریم در حد توان حفاظت کنیم.

مهدی چمران، رئیس شورا، در توضیح ابهامات پیش‌آمده درباره صدور مجوز جابه‌جایی درختان در شهر تهران هم گفت: باید پیمانکارانی که کار جابه‌جایی درختان را انجام می‌دهند، مورد تأیید فضای سبز باشند که سازمان مربوطه این کار را انجام می‌دهد. اما باید در این مورد نظارت کافی هم اعمال شود. درخت برای ما ارزش بسیار بالایی دارد و باید از آن به خوبی محافظت شود.

چمران درباره اقدامات انجام‌شده در حوزه حمل‌ونقل عمومی با بیان اینکه هنوز آنچه در این حوزه توقع داشتیم محقق نشده، یادآور شد: قرارداد واگن‌هایی که قرار شد به ناوگان حمل‌ونقل ریلی اضافه شود، مربوط به سال ۱۳۹۶ است که عملیاتی نشد. در همان زمان نیز تلاش‌های بسیاری برای اجراشدن این قرارداد انجام شد که با پیگیری‌های فراوان و نفس‌گیر تازه به این مرحله رسیده است. در این باره باید ابتدا مشخصات فنی این واگن‌ها به تأیید دولت برسد که انتظار می‌رود وزیر کشور هرچه‌سریع‌تر این کار را انجام دهد، لذا درخواست می‌شود همه افراد و دستگاه‌های ذی‌ربطی که کاری از دستشان برمی‌آید و حتی تک‌تک اعضای شورا به میدان آمده و دراین‌باره تلاش‌های لازم را داشته باشند. تعلل دراین‌باره صرفا زمان تحویل واگن‌ها را طولانی‌تر می‌کند.

چمران افزود: اگر واگن‌های سفارش‌شده تحویل گرفته شود؛ میزان جابه‌جایی و حمل مسافر در مترو دوبرابر میزان فعلی می‌شود. این یک موضوع حیثیتی برای شهر تهران، شورای شهر، شهرداری و البته کشور است. این مسئله درخصوص اتوبوس نیز صادق است. همه باید به میدان بیایند تا این معضل و کمبود بزرگ شهر جبران شود.

درخواست یکی از اعضای شورای شهر از شهردار: تهران را تمیز کنید، تا انتخابات یک سال زمان داریم

مأموریت اصلی بهشت، نظافت یا سیاست؟

شرق: تهران از نگاه مدیران شهری، شهری تمیز است؛ اما شهروندان و اعضای شورایی که هر هفته به محلات شهر تهران می‌روند، نگاه دیگری دارند و کثیفی شهر را یکی از چالش‌های اساسی عنوان می‌کنند. مهدی اقراریان، عضو شورای شهر تهران، معتقد است که وظیفه اصلی شهرداری تهران نظافت شهر است. او می‌گوید هنوز تا انتخابات دور آینده زمان زیادی باقی مانده و شهرداری باید در این مدت به وظایف خود که یکی از اصلی‌ترین آنها نظافت شهر است، بپردازد. در این روزها کانال‌های خبری نزدیک به جریان حاکم در مدیریت شهری خبرهایی از آغاز جلسات انتخابات آینده شوراها و مدیریت شهری داده‌اند؛ جلسه‌ای که با محوریت یکی از چهره‌های قدیمی سیاسی تشکیل شده و دو معاون شهردار تهران و چند عضو شورای کنونی شهر هم در آن حضور داشته‌اند. باوجوداین شهرداری تهران در جریان انتخابات مجلس تأکید کرده بود که وظایف سیاسی خود برای رونق انتخابات را جدا از مسئولیت‌های شهرداری می‌داند. باوجوداین همچنان نگرانی‌هایی در این حوزه از سوی برخی از فعالان شهری مطرح می‌شود. در این مدت یکی از تذکرهای پرتکرار اعضای شورای شهر تهران نظافت شهر تهران بود. سرانجام روز گذشته مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند گزارشی درباره اقدامات شهرداری در این حوزه ارائه داد.

رضا محمدی، مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند، در این جلسه درباره شیوه به‌کارگیری مخازن در سطح شهر تهران گفت: درباره مخازن با حوزه شهرسازی مکاتبه کردیم و طرح خود را اعلام کردیم تا بتوانیم در مجتمع‌های بالای ۵۰ واحد به‌عنوان راهکاری اورژانسی مخازن را به داخل مجتمع‌ها انتقال دهیم و در حقیقت مشارکت شهروندی را دنبال کنیم.

محمدی تأکید کرد: ورودی زباله تهران به مجموعه آرادکوه پس از تفکیک حدود شش هزار تن غیر از زباله ارزشمند است. درباره کودکان کار نیز ممنوعیت جدی در قراردادهای ما وجود دارد. اینکه کودک کار با لباس شهرداری باشد، تخلف است و با آن برخورد می‌شود. زباله‌گردهای سطح شهر و کودکان کاری که بیش از ۷۰ درصد آنها از اتباع هستند، قطعا به‌عنوان یک وظیفه از اقدامات آنها جلوگیری خواهیم کرد؛ اما برای مقابله ریشه‌ای با موضوع باید ضایعات‌فروشی‌ها را جمع‌آوری کنیم.

مهدی اقراریان، رئیس کمیته نظارت شورای اسلامی شهر تهران، با انتقاد از روند طولانی مدیریت پسماند از سوی شهرداری، متذکر شد: با مردم لجبازی نکنید. کسی با لجبازی‌کردن با مردم به جایی نمی‌رسد. درباره مدیریت پسماند هر طرح و پروژه‌ای که قرار است انجام شود، به‌جای توجه به جریانی که پشت موضوع پسماند وجود دارد، به مسئله همراه‌کردن مردم باید توجه شود؛ یعنی شرط اساسی و مهم تحقق اقدامات شهرداری همراه‌کردن مردم است. ما در اینجا درباره حقوق شهروندی سخن می‌گوییم.

اقراریان با تأکید بر اینکه این حق شهروندان است که از یک شهر تمیز برخوردار باشند، بیان کرد: ممکن است آنچه در اینجا گفته می‌شود، به مذاق برخی خوش نیاید اما مهم نیست. ما نماینده شهروندان هستیم و باید صدای آنها باشیم. باید به این نکته توجه داشت که از وظایف شهردار تهران این است که زباله‌های شهروندان را به شیوه مناسب جمع‌آوری کند. توصیه می‌شود درباره مسئله پسماند، تمرکز بر مأموریت‌های شهرداری باشد که نظافت شهر، نظارت بر ساخت‌وسازها و آسفالت شهر به‌صورت اصولی ازجمله آنهاست.

او تأکید کرد: یکی از وظایف مهم شهرداری تهران یعنی جمع‌آوری پسماند از سطح شهر است. دوستان اعتقاد دارند که هر موقع ماهی را از آب بگیری تازه است؛ اما من این‌گونه فکر نمی‌کنم. عضو شورای شهر تهران ادامه داد: تا انتخابات ۱۴۰۴ زمان زیادی مانده است. تمرکز اصلی را بر وظایف اصلی بگذارید و این امور را مورد توجه قرار دهید. وضعیت کودکان کار باید مورد توجه قرار گیرد. درباره تضییع حقوق کودکان در جاهای مختلف دنیا صحبت می‌کنیم؛ اما وقتی به خودمان می‌رسد، کودکانی با صغر سن در ساختار شهرداری تهران استفاده می‌شود. مردم شعار شما را می‌بینند و عمل شما را هم می‌بینند.

اقراریان با اشاره به طرح جامع پسماند خطاب به اعضای شورا گفت: سرانجام این طرح چه شده است؟ امروز روز استثنائی در شورا قلمداد می‌شود؛ چراکه یک‌صدا همه حق مردم را مطالبه می‌کنند. متن قراردادهای حقوقی در سازمان پسماند باید در اختیار شورا قرار گیرد و بررسی شود تا مشخص شود آیا حقوق شهر و شهروندان در آن در نظر گرفته شده یا خیر؟ و آیا دور بعد مسیر دیگری را خواستند دنبال کنند، حقوق مردم تضییع نشود.

او تاکید کرد: امیدواریم آقای محمدی آخرین مدیرعامل سازمان پسماند در این دوره باشد؛ چراکه در این دوره سه مدیر در حوزه پسماند تغییر کرده. باید ثبات مدیریتی داشته باشیم. همان‌طورکه درباره شهردار تهران گفته می‌شود، درباره مدیران نیز آزمون و خطا پذیرفتنی نیست. با عقلانیت، علم و دانش و روش‌هایی که در دنیا وجود دارد، نمی‌توان لجبازی کرد. حق مردم تهران این وضعیت زباله و پسماند در شهر نیست.

جعفر بندی‌شربیانی، عضو هیئت‌رئیسه شورای شهر تهران، هم در تذکری خطاب به مسئولان و مدیران شهری، به‌ویژه شهردار تهران درباره فعالیت‌ها و وظایف این حوزه تخصصی عنوان کرد: بنده قبلا برخی موضوعات بااهمیت را که به‌عنوان گره‌های اصلی شهر محسوب می‌شود، چه در جلسات خصوصی و چه در جلسات عمومی صحن مطرح کردم. همه می‌دانیم که موضوعات جاری در این حوزه صرفا مختص به این دوره نبوده بلکه مبتلابه دو دهه گذشته نیز بوده است؛ ازاین‌رو اگر بتوانیم این چالش‌ها را حل کنیم، نتیجه مطلوب حاصل و تحول ایجاد خواهد شد.

این عضو شورا در تشریح این چالش‌ها یادآور شد: متأسفانه پسماند در تهران همچنان به‌طور غیراقتصادی اداره می‌شود. اگر به دخل‌وخرج حوزه پسماند توجه شود، می‌توان دریافت که درآمد پایدار شهرداری تهران از این دریای عظیم بسیار ناچیز است و درآمد لایه‌های دیگر مانند بخش خصوصی، پیمانکاران، شرکت‌ها، واسطه‌ها، زباله‌گردها و... دارای سهم بالایی از حوزه پسماند هستند؛ ازاین‌رو نتایج زحمات و مدیریت درست باید منتج به این شود تا پسماند در تهران محلی برای درآمد پایدار برای شهرداری شود.

شربیانی با اشاره به گفته‌های مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران اضافه کرد: سود ناچیز شهرداری و درآمد انبوهی که به جیب افراد اشاره‌شده سرریز می‌شود، حاصل رانت و فسادی است که در حوزه پسماند وجود دارد و این فساد بسیار انبوه و انکارناپذیر است و قابلیت اثبات دارد.

او موضوع دیگر تذکر خود را به موضوع استفاده از تکنولوژی در این حوزه اختصاص داد و با بیان اینکه ما در دوره دوم و سوم شورای شهر تهران در موضوع پسماند شاهد یک تحول عظیم بودیم، گفت: متأسفانه امروز حتی در مناطق شهر در حوزه تکنولوژی و استفاده از این امر دچار عقب‌ماندگی هستیم و فاصله بسیار زیادی با دنیا داریم.

عضو هیئت‌رئیسه شورا در ادامه به یکی از موضوعات انعقاد قرارداد با کشور چین اشاره کرد و در این زمینه اظهار کرد: خوشحالیم که مقدمات انتقال فناوری با این قرارداد، عملیاتی خواهد شد و امیدواریم که این موضوع به‌زودی عملیاتی شود.

او با انتقاد از اینکه متأسفانه مبحث فرهنگی در حوزه پسماند یک موضوع نخ‌نما و تکراری است و عمدتا بودجه‌های مختلفی هم در این خصوص اختصاص پیدا می‌کند که از دوران قبل نیز مسبوق به سابقه بوده است و تنها هزینه می‌شود و خروجی مطلوبی نداشته است. نگاه فرهنگی در حوزه پسماند باید با طرح‌های انگیزشی اقتصاد خانوار همراه شود؛ اگر با این مدل فرهنگ‌سازی موجب تحریک نشویم، قطعا با پند و توصیه نمی‌توان شاهد تفکیک از مبدأ باشیم.

شربیانی با تأکید بر اینکه آثار پسماند یکی از فاجعه‌بارترین اتفاقات علیه محیط زیست محسوب می‌شود، اشاره کرد: امروزه در دنیا موضوع پسماند بسیار مورد اهمیت واقع شده است اما متأسفانه ما در برخی منطقه‌های شهر تهران مانند آرادکوه واقع در منطقه ری، شاهد وجود یک چالش بزرگ محیط‌زیستی از تجمیع پسماند و زباله‌ها هستیم. قطعا آثار و تبعات تخریب محیط زیست بسیار عمیق و نگران‌کننده است. مضافا بر اینکه در ماه‌های گرم سال، امکان زندگی تا شعاع چندده کیلومتری آراد کوه غیر قابل تحمل است.

این عضو شورا درباره طرح جامع پسماند خطاب به مدیرعامل سازمان پسماند شهرداری تهران نیز در طرح سؤالی مطرح کرد: تا چه میزان موضوع طرح جامع پسماند به‌عنوان یک سند بالادستی برای مجموعه تحت مدیریتتان، راهبردی است؟

ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران هم دراین‌باره گفت : وقتی قرار است طرحی نو در شهر دربیندازیم، پشتوانه‌های علمی و مطالعاتی آن مهم است، من جای مطالعه را در طرح جدید خالی می‌بینم. در اطراف حرم امام رضا (ع) با آن همه زائر شما یک زباله نمی‌بینید، شهرداری مشهد از چه مکانیسمی استفاده می‌کند که این‌قدر شهر تمیز است؟ ما یک بار مدیران شهری را به مشهد بردیم تا از تجربیات آن استفاده کنند، لازم نیست ما سراغ شهرهای خارجی برویم، نمونه‌های خوبی در داخل داریم.

او درباره مشارکت مردم گفت: مشارکت مردم فقط از طریق منتفع‌شدن مردم از سود تفکیک زباله میسر خواهد شد. از طریق طرح نومان و اپلیکیشن شهرزاد این موضوع را داریم. اما از ۱۷۰ هزار پلاک در منطقه ۸، ۷۰۰ نفر عضو شدند و در تهران فقط ۱۰ هزار نفر عضو شدند که باید مشخص شود چگونه تبلیغ می‌شود. به اضافه اینکه در طرح جدید جمع‌آوری پسماند گفته می‌شود الزامی درباره تعداد نیرو وجود ندارد، می‌خواهی یک نیرو بیاور یا ۱۰۰ نیرو. من در ناحیه این موضوع را بررسی کردم که سبب بی‌توجهی به نظافت معابر و کوچه‌های فرعی شده است. محدودکردن تعداد پیمانکار و گسترده‌شدن جغرافیای حضورشان ضمن اینکه محاسنی دارد، معایبی هم دارد و قدرت مانور شهرداری در زمان بحران تقلیل می‌دهد. مناطق و نواحی شهرداری را از مهم‌ترین مسئولیتشان که نظافت شهر است، سلب مسئولیت کرده است. آیا اعمال نظر ۲۵ درصدی مناطق نظارت کافی را برایشان فراهم می‌کند؟ آیا حقیقت دارد که تنها یک پیمانکار در تهران فعال است و مابقی پیمانکاران زیرمجموعه او هستند؟

عضو شورای شهر تهران گفت: متأسفانه مدیریت پسماند ما ادامه‌دهنده راهی است که در ادوار گذشته جاری بوده و اتفاقا ایراد اصلی هم همین است، درحالی‌که ما به استفاده از روش‌ها و شیوه‌های نو و مبتنی بر علم و دانش نیاز داریم. احمد صادقی هم در این جلسه گفت اتفاقا ما به آنچه در گذشته بوده ایراد داریم. پسماند ما امروز یک موجود پیر و فرتوت است که می‌خواهیم با بزک‌کردن او را جوان کنیم. در هیچ دوره‌ای مانند امروز نبوده که اتباع خارجی بیایند رفت و روب خیابان‌ها را انجام دهند، مخازن زباله نهایتا نو شود یا بعضی را رنگ‌آمیزی کنند یا از ماشین‌های مکانیزه کمتر استفاده می‌شود؛ چراکه می‌گویند هزینه‌بر است.

او افزود: این در حالی است که شهروندان ما در هیچ دوره‌ای از این شیوه جمع‌آوری زباله و پسماند رضایتمندی نداشتند؛ بنابراین ما انتظار داشتیم شهر به‌گونه‌ای تمیز شود که دیگر هیچ مخزن زباله‌ای نباشد، مانند خیلی از جاهای دنیا ولی متأسفانه ما سراغ تکنولوژی نرفتیم و هنوز دنبال این هستیم که اتباع خارجی بیایند خیابان‌ها را تمیز کنند. استفاده از مکانیزاسیون‌کردن خودرها اتفاقا نه‌تنها هزینه‌بر نیست بلکه مقرون‌به‌صرفه هم هست ولی متأسفانه ما وقت را از دست دادیم، فقط داریم گذشته را ترمیم می‌کنیم، گذشته‌ای که شاید از اساس باید تغییر می‌کرد.

صادقی اضافه کرد: نکته این است که برنامه کاربردی شهرداری هم در حوزه پسماند شناخته‌شده نیست، در منطقه‌ای که صدها هزار نفر ساکن هستند، تنها چندصد نفر به این برنامه مراجعه می‌کنند.

صادقی در پایان گفت: مدیران آنچه را گزارش می‌دهند که خودشان می‌خواهند، درحالی‌که گزارش باید بر اساس اسناد بالادستی باشد، در برنامه چهارم، چهارحکم آمده و لایحه مصوبه جامع پسماند داریم و انتظار این است که شاخص‌های برنامه را مشخص کنند.

میثم مظفر هم با اشاره به ضرورت استفاده از «۳۰ تکنیک سیاست‌گذاری رفتاری» در موضوع پسماند و امر تنظیف عمومی شهر تشریح کرد: مادامی که مخازن زباله در محلات و کوچه‌ها قابلیت جمع‌آوری تفکیک‌شده زباله تر و خشک را نداشته باشد؛ کنشی در محیط در این زمینه ایجاد نمی‌شود، درحالی‌که «ابزار در محیط»، القاکننده و سوق‌دهنده رفتار جدید شهروندی است و این تکنیک بسیار مؤثر است.

مظفر با اشاره به تکنیک «دسترسی سریع» افزود: در بستر گوگل وقتی واژه عامیانه تحویل زباله از منزل را سرچ می‌کنید، دسترسی سریع به نصب نرم‌افزار نوماند و تحویل زباله از طریق اپلیکیشن را نمی‌آورد.

رئیس کمیته بودجه با تأکید بر اهمیت تکنیک «مشوق‌ها» گفت: شهروندان باید دقیق و فراگیر بدانند که در ازای تحویل پسماند واجد ارزش از درِ منزل، چه امتیاز شهروندی را دریافت می‌کنند. همچنین استفاده از تکنیک «تلَنگرها و پیام‌های معنادار» ضرورت دارد و باید بابت موضوعی که قرار است در آن پارادایم شیفت و تحول بنیادین ایجاد شود، به تولید پیام‌های فان و جالب و معنادار توجه کرد و در زمینه نوماند باید این کار صورت پذیرد.

در ادامه مظفر در تشریح تکنیک «مقایسه‌سازی» گفت: مطالعات رفتاری و تجربیات بین‌المللی نشان داده مقایسه رفتار یک شهروند با همسایه خویش بسیار می‌تواند موجب اصلاح رفتار و باور به تغییرپذیری آن باشد.

رئیس کمیته بودجه در پایان با اشاره به تکنیک «لنگراندازی» تأکید کرد: باید رفتار جدید چهره‌های شاخص ملی و دارای نفوذ و اعتبار نزد شهروندان را به نمایش گذاشت تا رفتارهای مطلوب جدید بر فرض مثال استفاده از نوماند (اپلیکیشن جمع‌آوری هوشمند پسماند) تکثیر شود.

مهدی عباسی، رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورا هم با بیان اینکه همان‌طورکه می‌دانید مویرگی‌ترین و یکی از پیچیده‌ترین کارها در حیطه وظایف شهرداری مربوط به موضوع جمع‌آوری پسماند است؛ چراکه رابطه معناداری با رضایتمندی شهروندان دارد گفت: این موضوع زنجیره و منظومه حساب می‌شود و نمی‌توان به‌صورت مجزا آن را بررسی کرد بلکه باید از مبدأ تا مقصد و با همه عناصر به آن پرداخت؛ درواقع ما در اینجا درخصوص کیفیت زندگی سخن می‌گوییم، منظور از کیفیت زندگی تنها داشتن ساختمان نیست بلکه عواملی از قبیل نوع هم‌زیستی، سلامت، محیط و زنجیره‌ای از خدمات در کیفیت زندگی تأثیرگذار هستند.

او افزود: از منظر شهرسازی زمانی که ما تغییرات طرح جامع را اعمال کرده و دست به طرح تفصیلی می‌بریم، تمامی این برنامه‌ریزی‌ها به هم می‌ریزد؛ چراکه آنها براساس برنامه‌ریزی و مطالعه جمعیت را پیش‌بینی کرده‌اند؛ باید توجه داشته باشیم که این تغییرات اگر امروز هم تأثیرات خود را نشان ندهد، در درازمدت تأثیرات مشاهده و احساس خواهد شد.

اقدامات در حوزه مدیریت پسماند با توجه به نوع فصل باید انجام شود. گزارش‌ها در مناطق حاکی از آن است که وظایف به‌صورت دست‌دوم به افراد دیگری واگذار می‌شود که این امر موجب ازبین‌رفتن یک هزینه خواهد شد.

با اعلام ضرورت اصلاح قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

خلأهای قانونی، دلیل رواج کار کودکان دارای معلولیت است

سمیه جاهدعطائیان

رامک حیدری، مدیرعامل انجمن دیستروفی ایران، در گفت‌وگو با «شرق» با تشریح ضرورت اصلاح و بازنگری در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، همراه با اشاره به کار کودکان دارای معلولیت و دسته‌بندی آنها تأکید می‌کند: «برای افراد دارای معلولیت و کار کودکان دو دسته‌بندی وجود دارد؛ کودکانی که والدینشان معلولیت داشته و دسته دیگر کودکانی هستند که خودشان دارای معلولیت بوده و به امرار معاش مشغول هستند. کودکانی که والدین دارای معلولیت دارند، می‌توانند مصادیقی از کودکان کار باشند. وقتی صحبت از کودکان کار می‌شود، ذهن و تصورمان بر روی کودکان زباله‌گرد، دست‌فروش، شاغل در مغازه‌ها یا کارگاه‌های زیرزمینی و... می‌رود که به‌عنوان شغل کودک معرفی می‌شود، درحالی‌که کودکان دیگری نیز در منازل مشغول به کار هستند که کار آنها به‌عنوان وظیفه تلقی شده و دیده نمی‌شود».

آسیب کودکان کار دارای معلولیت در خانه‌ها

حیدری، فعال حوزه افراد دارای معلولیت، با اشاره به کار کودکانی که نه به منظور آموزش بلکه از روی وظیفه، اجبار و... به کار مشغول شده و نیز با اشاره به معلولیت والدین و کار کودکان در منزل ادامه می‌دهد: «به‌عنوان نمونه عینی که با آنها سروکار داریم، مادری دارای معلولیت بوده و مسئولیت امور خانه بر عهده فرزندی است که با مادرش در یک خانه زندگی می‌کند. این فرزند چه از روی اجبار و چه به صورت اختیاری، مسئولیت پخت‌وپز، نظافت و... را عهده‌دار شده و از حقوق مسلم بسیاری محروم شده است. در این مورد، کودک نه به قصد آموزش و یادگیری بلکه به خاطر فشار محیط و خانه مشغول به کار شده و مسئولیت گرفته است. او از کودکی مسلم و بحق خود برای بازی‌کردن، تفریح و... غافل شده و این فعالیت، کار کودک محسوب می‌شود. در انجمن دیستروفی، کودکان دختر یا پسر زیادی هستند که والدین‌شان دارای معلولیت بوده، پدر به خاطر معلولیت همسر از او جدا شده و کودکشان در کنار مادر زندگی می‌کند. این بچه‌ها به تنهایی مسئولیت کارهای شخصی والدین مثل لگن‌گذاشتن، حمام یا دستشویی بردن والدین را هم عهده‌دار شده‌اند. این موارد در واقع مصداقی از کار کودک است».

خانواده دارای معلولیت و سختی‌های فرزندان‌شان

مدیرعامل انجمن دیستروفی ایران با اشاره به کار کودک دارای معلولیت می‌افزاید: «مسئله بعدی به کار کودکی برمی‌گردد که خودش دارای معلولیت است. دو دسته‌بندی برای این کودکان وجود دارد. مشاهده شده است که کودک دارای معلولیت در کنار پدر یا مادرش کار در منزل انجام می‌دهد و حاصل نهایی کارش را در خیابان و با دست‌فروشی می‌فروشد. به‌عنوان نمونه، در خانه سبزی پاک می‌کند و در کنار پدر یا مادرش آن را در خیابان یا سر چهارراه‌ها می‌فروشد. نمونه‌ای از این کودک که ویلچر هم نداشت، توسط انجمن دیستروفی شناسایی و برایش ویلچر تهیه شد».

سوءاستفاده از کودکان دارای معلولیت برای دریافت پول

او کار کودکان در فضای مجازی را که به واسطه خانواده و به منظور تبلیغات انجام می‌شود، در دسته‌بندی دیگری از کار کودکان دارای معلولیت قرار داده و یادآور می‌شود: «متأسفانه در این مورد از کار کودکان در فضای مجازی که بسیار وسعت یافته، قانون مدون و شفافی وجود ندارد. برای نمونه مشاهده شده که گاهی کمپین‌هایی برای کمک به درمان کودکان توسط خانواده تشکیل شده و در آنها اقدام به انتشار مدارک و مستندات پزشکی، تصاویر یا فیلم‌هایی از شرایط فرزند کرده و کمک‌ها را دریافت می‌کنند. در کمپین‌هایی به تکرار مشاهده شده است که کودک در آنها فراموش شده و مبالغ جمع‌آوری‌شده حاصل از تبلیغ در این کمپین‌ها، صرف اموراتی غیر از تهیه دارو و درمان شده است. حتی مشاهده شده که کودک در این مدت فوت کرده اما در کمپین اطلاع‌رسانی نشده و واریز و دریافت کمک‌های مردمی پس از فوت فرزند دارای معلولیت همچنان ادامه داشته است. این اقدام، سوءاستفاده از کودک در قالب راه‌اندازی کمپین محسوب شده و در کنار بهره‌کشی اقتصادی از فرزند، آسیب‌های فراوانی به دنبال داشته است».

دریافت کمک‌های مردمی با صفحات ساختگی

«نبود قانون مشخص یا جامعی در حوزه فعالیت و اطلاع‌رسانی در حوزه فضای مجازی و سایت‌ها، مشکلات زیادی را به دنبال داشته است؛ صفحاتی در فضای مجازی مشاهده شده که از مدارک پزشکی کودکان دارای معلولیت که در کمپین‌های حمایتی منتشر شده، سوءاستفاده کرده و آنها را در صفحات جعلی و ساختگی دیگری منتشر کرده‌اند تا کمک‌های مردمی را به بهانه دروغ حمایت درمانی دریافت کنند. اگر در قانون خلأ و کمبودی وجود نداشته باشد و به مصادیق پیچیده و متعددی از کار کودکان دارای معلولیت رسیدگی شود، می‌توانیم امیدوار باشیم که در این زمینه سوءاستفاده‌ای از این کودکان و اعتماد عمومی نشده و امکان رسیدگی به این موارد از نقض حقوق کودکان نیز وجود خواهد داشت».

بگیر و ببندهای بی‌فایده قانون در حوزه کودکان

این نکات از رامک حیدری، مدیرعامل انجمن دیستروفی ایران عنوان کرده و تصریح می‌کند: «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان که در سال ۱۳۹۹ به تصویب مجلس رسیده است، نیاز به اصلاحاتی اساسی داشته تا مداخله مؤثر و بدون آسیب در موارد نقض قانون صورت‌گرفته، حمایتگر باشد و مداخله در جهت آسیب به خانواده و فروپاشی آن اعمال نشود. پدر دارای معلولیتی که به خاطر وجود فقر یا فشار اقتصادی، کودک خود را مجبور به کار و تأمین مخارج کرده است، باید از سوی دولت و نهادهای غیردولتی حمایت شده و مشکلات‌شان با مداخله افراد و سازمان‌ها برطرف شود تا کودک مجبور به تأمین مخارج و به‌دوش‌کشیدن مسئولیت نباشد. مداخله یا حمایت صرف از سوی نهادهای مردمی نیز بدون حمایت دولت، کافی و حمایتگرانه نخواهد بود».

این فعال حوزه افراد دارای معلولیت، در پاسخ به پرسش خبرنگار «شرق» مبنی بر اینکه در قوانین برای سازمان‌ها ازجمله بهزیستی چه وظایف و تکالیفی برای مداخله مؤثر و حمایتگری در نظر گرفته شده است؟ می‌گوید: «متأسفانه در قوانین موجود، وظیفه مداخله و حمایتگری خاصی برای سازمان‌ها ازجمله بهزیستی مشاهده نشده است. قانون کاستی‌هایی دارد و به صورت قضائی برخورد کرده است و مثلا می‌گوید که بگیرید، ببندید، زندانی کنید؛ به صراحت در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مداخله حمایتگرانه‌ای برای حمایت مؤثر از فرزند و خانواده آسیب‌دیده یا در معرض آسیب بر عهده سازمان‌هایی مثل نیروی انتظامی، بهزیستی و... گذاشته نشده است».

ایران به قانون مجزایی برای کودکان کار نیاز دارد

حیدری با اشاره به کاستی‌های موجود در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، این قانون را کلی ارزیابی کرده و با اشاره به آسیب‌های حمایتگرنبودن آن می‌افزاید: «قوانین موجود حمایتگر نیستند. مثلا در بندهایی از قانون، به خانواده‌ای که از روی ناچاری و فقر باعث ترک تحصیل فرزند شده، حکم حبس داده و خانواده فقیر را فقیرتر و آن را در چرخه جبران‌ناپذیری از فقر مضاعف رها می‌کنند. اولین حق مسلم و انکارنشدنی کودک، داشتن خانواده است که با این حکم، حق او نادیده گرفته می‌شود».

مدیرعامل انجمن دیستروفی ایران با اعلام اینکه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان قانونی کلی بوده و قانون کار کودک محسوب نمی‌شود، تصریح می‌کند: «در بسیاری از کشورها قانونی اختصاصی در زمینه کار کودکان تدوین شده است و در واقع کار کودک را از قانون کلی اطفال و نوجوانان مجزا کرده‌اند؛ درحالی‌که در ایران کار کودک را تنها در چند بند و چند ماده خلاصه کرده‌اند و مهم‌تر از آن اینکه متأسفانه در همین خلاصه ماده‌ها نیز اشاره‌ای به کودکان دارای معلولیت یا والدین دارای معلولیت نشده است که نقص صریح قانون است».

آمار کودکان کار دارای معلولیت نامشخص است

حیدری در پاسخ به این سؤال که آیا آمار و ارقامی از کودکان کار دارای معلولیت یا کودکانی که به خاطر معلولیت پدر و مادر مجبور به امرار معاش بوده یا در خانه به کار گمارده شده‌اند، وجود دارد؟ می‌گوید: «متأسفانه در این زمینه هیچ اطلاعات دقیق، آمار صحیح و داده روشنی وجود ندارد. در بسیاری از مواقع، خانواده‌ها از سخن‌گفتن در مورد این موضوع و مطرح‌کردن مشکلاتشان در حوزه معلولیت ترس و محدودیت دارند؛ به همین دلیل مسائل زیادی مخفی می‌ماند و در نتیجه آسیب‌های زیادی از این نظر متوجه کودکان و خانواده‌های آنها می‌شود. حتی اگر مشکلات آنها مطرح شود یا خطرات و آسیب‌های روحی- جسمانی واردآمده بر کودکان نیز برملا شود، قانونی متوجه خاطیان نیست و ماجرا بدون پیگیری رها می‌شود. موارد گزارش‌شده به انجمن نیز به خاطر احساس امنیت اعضا با انجمن بوده، در غیر این صورت موارد زیادی مسکوت و پشت درهای خانه‌ها مخفی می‌ماند».

او در پاسخ به این پرسش که بیشترین آسیب متوجه کدام دسته معلولیت‌ها بوده و آیا آمار خشونت اعمال‌شده در حوزه کودکان کار دارای معلولیت رو به افزایش بوده یا خیر؟ اظهار می‌کند: «تسلط ما در انجمن بر روی معلولان جسمی-حرکتی بیشتر بوده و در این زمینه اطلاعات بیشتری داریم، اما بدون شک فعالان در حوزه‌های دیگری از افراد دارای معلولیت مثل نابینایان، ناشنوایان و... اطلاعات دقیق‌تری داشته و تأکید آنها هم بر ضرورت اصلاح قانون است».

قوانین ناقص فعلی در حوزه کار کودک ضمانت اجرائی ندارد

این فعال در حوزه افراد با نیازهای ویژه، با انتقاد و ابراز نگرانی از مخفی‌بودن آمار تولد نوزادان دارای معلولیت به دنبال قانون افزایش جمعیت به خبرنگار «شرق» تصریح می‌کند: «قانون به هر شکل برای افراد دارای معلولیت در ایران بسیار ناقص بوده و کاستی‌هایی دارد. همین قانون نصفه‌ونیمه نیز ضمانت اجرائی مشخصی نداشته و محدودیت‌های اخیر حاصل از غربالگری هم نگرانی فعالان مدنی را در حوزه کودکان، زنان و افراد دارای معلولیت افزایش داده؛ چون دسترسی به آمار دقیق هم با سانسور روبه‌رو شده است».

او با ارائه پیشنهادی به فعالان حوزه معلولان و تمام شهروندانی که به نوعی با کودکان در ارتباط هستند، ادامه می‌دهد: «پیشنهاد می‌کنم که نسبت به کار کودکان در هیچ زمینه‌ای بی‌تفاوت نباشیم. تفاوتی ندارد که کودک کار، معلولیت دارد یا محدودیت جسمانی خاصی نداشته باشد. اینکه کودک کار ایرانی باشد یا افغان، پسر یا دختر باشد و... هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و ما باید نسبت به تمام کودکان کار احساس وظیفه کنیم تا حساسیت و مطالبه‌گری از کف جامعه شروع شود و به لایه‌های دیگر نفوذ کند و بتوان نسبت به تغییر و اصلاح قانون امیدوار بود».

شهروندان در مواجهه با کودکان کار احساس مسئولیت کنند

مدیرعامل انجمن دیستروفی ایران در پاسخ به این پرسش که «با توجه به اینکه گفته می‌شود از خریدکردن یا کمک به کودکان کار خودداری شود، شهروندان چطور می‌توانند نسبت به کودکان کار بی‌تفاوت نباشند؟» تأکید می‌کند: «در دنیا ابزاری برای دیده‌بانی، مستندسازی و در نهایت گزارش‌دهی وجود دارد که طبق آن هر شخص می‌تواند وضعیت یک کودک را مشاهده، بررسی، مستندسازی و به نهادهای مرتبط گزارش کند. ما هم در ایران باید شهروندان را بیش از پیش در این زمینه دغدغه‌مند کنیم که گزارش‌های خود را با دیده‌بانی، به نهادهای مربوطه و حتی انجمن‌های مردمی ارجاع دهند تا جلوی وضعیت مخاطره‌آمیز گرفته شده و هر شهروند ایرانی با آموزش و فرهنگ‌سازی، به یک دیده‌بان تبدیل شود». حیدری در پاسخ به اینکه انجمن دیستروفی چه رایزنی‌ها و اقداماتی برای تغییر و اصلاح قانون حمایت از اطفال و نوجوانان انجام داده است؟ پاسخ می‌دهد: «اواخر سال گذشته، نامه‌ای با پیشنهاد ضرورت اصلاح بند به بند قانون فوق برای رئیس مجلس ارسال شد و از سال جدید نیز پیگیر هستیم که جلسات مذاکره مؤثری در این زمینه با نماینده‌های مجلس داشته باشیم».

مافیای کودک کار نداریم؛ شرایط سخت اقتصادی کافی است

مدیرعامل انجمن دیستروفی ایران در پاسخ به این سؤال «شرق» مبنی بر اینکه گفته می‌شود در زمینه کودکان کار دست‌های پنهانی از باند و مافیا وجود دارد، آیا این قبیل از دست‌های مخفی و باندها، در حوزه کودکان کار دارای معلولیت هم وجود دارد؟ تصریح می‌کند: «ما دقیق نمی‌دانیم باندهایی در حوزه کودکان کار یا کودکان کار دارای معلولیت وجود دارد؛ چراکه شرایط اقتصادی خانواده‌ها به اندازه‌ای سخت و پرچالش شده است که می‌دانیم اگر کودکی با زباله‌گردی، دست‌فروشی و حتی تکدی‌گری در حال امرار معاش است، به خاطر نیاز اقتصادی خانواده بوده که مشغول به کار و از چرخه تحصیل خارج شده است. این موضوع کاملا روشن و انکارنشدنی است. در حال حاضر بزرگ‌ترین نگرانی فعالان حوزه کودکان و افراد دارای معلولیت، وجود همین تنگناهای اقتصادی، فشار مالی و نبود قانون جامع حمایتی در حوزه کودکان کار است که تا وقتی از خانواده حمایت نشود، کودکان مجبور به درآمدزایی و دوری از تحصیل و شرایط استاندارد هستند».

> مدیرعامل انجمن دیستروفی ایران با اعلام اینکه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان قانونی کلی بوده و قانون کار کودک محسوب نمی‌شود، تصریح می‌کند: «در بسیاری از کشورها قانونی اختصاصی در زمینه کار کودکان تدوین شده است و در واقع کار کودک را از قانون کلی اطفال و نوجوانان مجزا کرده‌اند؛ درحالی‌که در ایران کار کودک را تنها در چند بند و چند ماده خلاصه کرده‌اند و مهم‌تر از آن اینکه متأسفانه در همین خلاصه ماده‌ها نیز اشاره‌ای به کودکان دارای معلولیت یا والدین دارای معلولیت نشده است که نقص صریح قانون است».

دیدگاه

تکالیف نهادهای دولتی در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» نیازمند بازنگری است

بدون‌شک، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان قدم مهمی در راستای حفاظت از حقوق کودکان بوده است؛ اما با اصلاحاتی می‌توان بهبود و توسعه بیشتری در این زمینه را به دست آورد.

در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با هدف ارتقای سطح حمایتی از کودکان و نوجوانان در برابر آزارها و سوءاستفاده‌ها، در مجلس تصویب شد. این قانون که شامل چهار فصل و ۵۱ ماده است، به تعریف حقوق کودکان و نوجوانان، شرایط و موقعیت‌های آسیب‌پذیر و نحوه مداخله و حمایت در مواقع لزوم می‌پردازد.

اما درحال‌حاضر نیاز به اصلاحاتی در این قانون به نظر می‌رسد تا بهبود و توسعه حقوق کودکان به طور جامع‌تری انجام شود. این اصلاحات می‌توانند با توجه به وظایف چند نهاد دولتی مهم اعمال شوند.

یکی از بندهای اصلاحی، تعیین وظایف سازمان بهزیستی کشور در ماده ۶ قانون است. این بندها و تبصره‌ها عبارت‌اند از: امکان و شرایط تحصیل را برای کودکانی که به هر دلیل به شکل قانونی یا غیرقانونی به کار گرفته شده و از تحصیل محروم شده‌اند، فراهم بیاورد.

طراحی و اجرای برنامه‌ای منظم تحت عنوان «توانمندسازی خانواده‌های کودکان کار» به منظور توانمندسازی خانواده‌های محروم و کم‌درآمد که ضعف مالی آنها سبب به کار گرفته‌شدن کودکان این خانواده‌ها شده است.

پیش‌بینی اعتبارات لازم برای اجرای دو بند بالا در لوایح بودجه سالانه سازمان بهزیستی و تأمین این اعتبارات از طرف سازمان برنامه و بودجه.

علاوه‌براین تشکیل «کمیته تعیین مصادیق بهره‌کشی و استثمار کودک» که متشکل از فعالان و کنشگران حوزه کودک، نمایندگان سمن‌ها، حقوق‌دانان و وکلای دادگستری و مددکاران است، به منظور شناسایی و اعلام مصادیق بهره‌کشی و استثمار کودک، اقدامی لازم است. این کمیته همچنین می‌تواند به‌عنوان کارشناس، طرف مشورت مقام قضائی در تسریع فرایند تعیین حقوق و تعیین مصادیق بهره‌برداری و استثمار کودکان عمل کند.

علاوه‌براین نیاز به اصلاحات در ماده‌های مربوط به تحصیلات کودکان و نوجوانان نیز وجود دارد. اصلاحاتی که به طور خاص توجه به کودکانی با شرایط خاص مانند کودکان مهاجر، کودکان با نیازهای ویژه و کودکانی که در مناطق محروم زندگی می‌کنند، داشته باشند. این اصلاحات می‌توانند شامل ایجاد برنامه‌های تحصیلی مناسب برای این گروه‌ها، ارائه خدمات حمایتی و مشاوره و تأمین منابع مالی برای تسهیل تحصیل آنها باشند.

علاوه‌براین، مواد قانونی درباره مسئولیت و مجازات در صورت نقض حقوق کودکان نیز باید بهبود یابد. باید تدابیر مناسب برای پیشگیری از سوءاستفاده، آزار و آسیب به کودکان در نظر گرفته شود و مکانیسم‌های قوی‌تری برای شکایت و تحقیق درباره این نقض‌ها و اعمال مجازات مناسب برای متخلفان تعیین شود.

همچنین نیاز به توسعه و بهبود سامانه‌های گزارش‌دهی و پیگیری حقوق کودکان و نوجوانان وجود دارد. باید سامانه‌های الکترونیکی و آنلاینی ایجاد شوند که به کودکان و نوجوانان امکان دهند گزارش‌دهی درباره تخلفات و نقض‌های حقوق‌شان را به‌راحتی و به صورت محرمانه انجام دهند. همچنین پیگیری و رسیدگی به این گزارش‌ها باید با سرعت و کارایی بالا انجام شود.

در نهایت، آموزش و اطلاع‌رسانی به جامعه درباره حقوق کودکان و نوجوانان نیز بسیار مهم است. باید برنامه‌های آموزشی مناسب برای اعضای خانواده، مربیان، معلمان و جامعه در حوزه حقوق کودکان اجرا شود تا آگاهی‌بخشی و تغییر نگرش‌ها در جامعه رخ دهد.

صدای مردم

نوروز و سفره‌های خالی

بسیاری از مردم در روزهای نوروز ۱۴۰۳ به دلیل مشکلات معیشتی، با چالش‌های بسیاری در دیدوبازدیدهای عید روبه‌رو بودند. همچون منیژه مادر ۵۵ساله که در نامه‌ای به «شرق» از این چالش خود نوشته است.

«عید امسال برای خانواده من سخت گذشت. بعد از سال‌ها کارکردن حالا جلوی فرزندانم شرمنده نداری می‌شوم. من سه دختر دارم که البته همیشه ملاحظه شرایط اقتصادی خانه را کرده‌اند، اما حقیقت این است که امسال حتی از پس یک تفریح ساده هم برنیامدم. راستش توان خرید آجیل را نداشتم و با دو کیلو تخمه آفتابگردان از میهمان‌ها پذیرایی کردم. هزینه‌های بالا هر روز من را از آینده فرزندانم بیشتر می‌ترسانند. البته عید امسال هم در ماه رمضان بود و همین بخشی از هزینه میهمان‌داری ما را کم کرد، اما همین هم برای من سخت بود.

قدیم‌ها شرایط ما این‌طور نبود. هیچ‌وقت وضع مالی خوبی نداشتیم اما همیشه در فروردین در خانه ما به روی میهمان باز بود و برو و بیاهای زیادی داشتیم. یادم است گاهی هر روز ناهار یا شام کسی خانه ما میهمان بود و همه دور هم بودیم. حتی ما هم مرتب تمام روزهای عید را خانه فامیل و همسایه بودیم، اما الان بسیاری از اطرافیان ما هم توان برگزاری میهمانی‌هایی مثل قدیم را ندارند.

چند روز قبل با دختر بزرگم که حرف می‌زدیم، همین را به من گفت که با وجود حقوق اندکی که داشتیم، انگار برکت پولمان هم بیشتر بود، اما حالا هرچه می‌دویم اصلا هیچ چیزمان به دخل و خرجی که داریم نمی‌رسد. امسال عید تمام تلاش‌مان را کردیم تا با کمترین هزینه به دخترهایم خوش بگذرد، ولی شرایط مالی این روزها باعث شده تا بیش از گذشته شرمنده فرزندانم باشم. من سال‌ها در یک شرکت واردات عینک کار کردم.

از هشت صبح تا عصر هر روز رفتم و آمدم اما حالا بعد از سال‌ها هیچ چیز برای پس‌انداز ندارم. من حتی از یک بیماری یا مشکلی که باعث هزینه قابل توجه باشد، می‌ترسم. خیلی وقت‌ها فکرکردن به این چیزها واقعا باعث استرس من می‌شود؛ نگرانی‌هایی که حتی نمی‌خواهم با کسی درباره آنها حرف بزنم، چون همه خانواده‌های اطرافم هم درگیر همین مسائل مالی هستند. نمی‌دانم عاقبت ما در این شرایط اقتصادی چه خواهد بود. چند سال دیگر هم پا به سن می‌گذارم و احتمالا بیماری و قرص و دوای من هم شروع می‌شود که همین الان هم کم‌کم شروع شده است. من به‌عنوان یک مادر که سال‌ها شاغل بودم، این روزها فقط دستان خالی‌ام را در برابر فرزندانم می‌بینم».